ادامه از صفحه ۶

خط قرمز چیست؟

بند ۵ پیمان ۱۹۴۹ آتلانتیک شمالی که در آن موضوع «دفاع دسته‌جمعی» را بیان می‌کند یکی از مهم‌ترین خط قرمزهای تعریف‌شده به شمار می‌رود و هیچ دولتی تا به امروز، تجاوز نظامی علیه یک کشور عضو ناتو در اروپا و شمال آمریکا آغاز نکرده است. مقامات کشورهای حوزه بالتیک، که بیش از همه در معرض تهدید انتقام‌جویی روسیه قرار دارند همواره به صراحت به ماده ۵ پیمان آتلانتیک‌شمالی به عنوان یک خط قرمز استناد می‌کنند. خط قرمز استراتژیکی که رئیس‌جمهور کندی در سخنرانی ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ تعیین کرد و هشدار داد که «در صورت پرتاب موشک از کوبا به نیمکره‌غربی، با اتحاد جماهیر شوروی به‌گونه‌ای رفتار خواهد شد که گویی موشکی از سوی شوروی به ایالات متحده آمریکا پرتاب شده است». هشدارهای مکرر پکن مبنی بر اینکه «استقلال تایوان» پذیرفتنی نیست و در سال ۲۰۰۵ با تصویب قانون مخالفت با جدایی تایوان آشکار کرد که این خط قرمز پکن به شمار می‌رود و در قبال استقلال تایوان به زور متوسل خواهد شد.

ویژگی‌های خط قرمز معتبر و کارآمد:

اول: بیان روشن شرایط و پیامدها.

بزرگ‌ترین اشتباه در تعریف خط قرمز این است که «شرایط»، «آستانه پذیرش» و «عواقب ناشی از عبور از آن» روشن نباشد؛ اما برای داشتن قدرت مانور (چانه‌زنی) و نیز خودداری از افتادن در «دام خودساخته ناشی از تعهدات اعلامی» می‌توان یکی از دو عنصر فوق را به گونه‌ای تعریف کرد که تفسیرپذیر باشد.

یک نمونه خوب از تعادل بین «وضوح» و «انعطاف‌پذیری»، ماده پنجم از پیمان آتلانتیک‌شمالی است که می‌گوید: حمله مسلحانه... علیه یک یا بیشتر از [اعضای ناتو] منجر به اقداماتی، ازجمله استفاده از نیروی مسلح می‌شود که از سوی اعضا تصمیم گیری خواهد شد. براساس این بند استفاده از نیروی مسلح یکی از راه‌های مقابله برشمرده شده و اعضای ناتو طیف متنوعی از اقدامات را در پیش‌روی دارند که از میان آنها می‌توانند انتخاب کنند. یک نمونه جالب دیگر دکترین کارتر است که می‌گوید: «تلاش‌های نیروهای خارجی برای به‌دست‌آوردن کنترل منطقه خلیج‌فارس به عنوان حمله به منافع حیاتی ایالات متحده آمریکا در نظر گرفته شده و چنین حمله‌ای با هر وسیله لازم، ازجمله نیروی نظامی دفع خواهد شد». خط قرمز تعریف‌شده در این دکترین دربرگیرنده ترکیب مناسبی از وضوح، عزم و اراده و انعطاف‌پذیری است.

دوم: نشان‌دهنده عزم و اراده.

تعیین خط قرمز باید توأم با برداشت و استنباط دشمن از عزم و اراده بازیگر اعلام‌کننده خط قرمز یا مدافع آن باشد. به عبارت دیگر طرف مقابل باید متقاعد شود که مدافع مصمم به دفاع از خط قرمز خود است. هنگامی که بازیگر تعیین‌کننده خط قرمز به‌طور کلی به «جدی‌نبودن» اشتهار داشته باشد، «هزینه‌ها» یا «پیامدهایی» که وی برای عبور از خط قرمز تعریف کرده است، از سوی دشمن جدی گرفته نمی‌شود و همین امر موجب ترغیب وی به نادیده‌گرفتن خط قرمز خواهد شد.

سوم: تکرار و به‌روزرسانی خط قرمز.

گاهی اوقات نیاز است توضیحات بیشتری درباره خط قرمز ارائه شود و یا با گذشت زمان با شرایط روز سازگار شود. برای نمونه اعضای پیمان آتلانتیک‌شمالی در سپتامبر ۲۰۱۴ رسما اعلام کردند که حملات سایبری نیز می‌تواند موجب توسل به بند ۵ پیمان شود.

در مواردی نیز لازم است خطوط قرمز تکرار شوند، به‌ویژه در مواردی که رهبرانی که خط قرمز را تعیین کرده‌اند، دیگر بر سر قدرت نیستند.

چهارم: نپذیرفتن اقدامات زیر خط قرمز.

تعیین خط قرمز به معنای آن نیست که اقدام تا زیر سطح آن مجاز است؛ بنابراین باید به طرف مقابل فهماند که تمام اقدامات زیر خط قرمز نیز تحمل‌ناپذیر و ناپذیرفتنی به شمار می‌رود. گاهی اوقات مدافع خط قرمز ناچار است برای طرف مقابل روشن کند که اقدامات خاص زیر سطح خط قرمز، پیامدهایی را به دنبال خواهد داشت. برای نمونه چنانچه دستیابی به سلاح هسته‌ای به عنوان خط قرمز تعیین شده باشد، مدافع این خط قرمز دستیابی به نمونه آزمایشی سلاح هسته‌ای یا سلاح هسته‌ای به صورت سرهم‌نشده (قطعات منفصله) را که زیر سطح خط قرمز به شمار می‌رود، نیز مشمول مجازات‌هایی می‌داند.

پنجم: اعلام خطوط قرمز از طریق تماس خصوصی.

می‌توان خط قرمز از طریق ارتباط خصوصی به طرف مقابل اعلام کرد. این روش مزایایی دربر دارد، ازجمله آنکه بازیگر تعیین‌کننده خط قرمز به دور از جنجال و هیاهو و محدودیت‌های داخلی و بین‌المللی، جدیت و عزم و اراده خود را به طرف مقابل منتقل کند. علاوه‌براین، تماس خصوصی برای مدافع خط قرمز امکان انعطاف‌پذیری و برای طرف مقابل این امکان را فراهم می‌کند که به دلیل دفاع از اعتبار (پرستیژ) خود در دام وسوسه عبور از خط قرمز نیفتد. در بعضی از فرهنگ‌ها، اعلام خط قرمز به‌طور خصوصی اثر بازدارندگی بیشتری دارد تا اعلام عمومی آنها و برعکس در برخی موارد هشدارهای علنی و اعلام عمومی خط قرمز، مؤثرترند.

politics@sharghdaily.ir

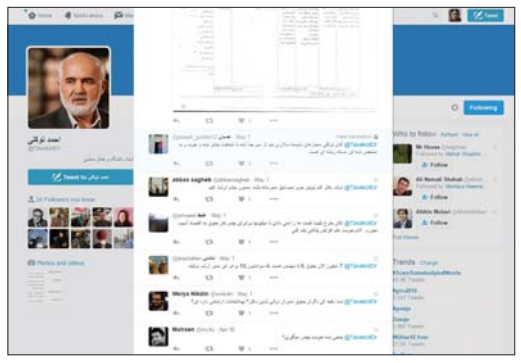

پرسش کاربران از اصولگرایان حاضر در توییتر

چرا از فیلترشکن استفاده می‌کنید؟

شرق: سیاست‌مداران اصولگرا یکی‌یکی وارد توییتر می‌شوند و یکدیگر را تشویق به ورود می‌کنند. شبکه‌ای که فیلتر است و برای ورود به آن باید از فیلترشکن استفاده کرد. نکته‌ای که از دید کاربران این شبکه هم پنهان نمانده و در کامنت‌های خود به طنز یا جدی آن را به روی اصولگرایان می‌آورند، اصولگرایانی که خود بیش از دیگران مدافع فیلترینگ هستند. مخاطبان توییت‌های حدادعادل، محسن رضایی، جلیلی و توکلی پرسش‌های بجایی دارند، «شما چرا از فیلترشکن استفاده می‌کنید؟» اگرچه گویا بنا نیست کسی به پرسش‌های آنها جوابی دهد. اصولگرایان تازه‌کار، هنوز با رموز توییتر به‌درستی آشنا نشده‌اند. تعامل یا «جواب‌دادن» به کاربران، یکی از کاربردهای مهم توییتر است که گاهی اهمیتش از یک پست توییتی هم مهم‌تر می‌شود.

غلامعلی حدادعادل که بعد از انتخابات مجلس به توییتر پیوست، گاهی برخی از توییت‌هایش بیش از دیگر اصولگرایان با واکنش کاربران این شبکه روبه‌رو می‌شود، به‌ویژه توییت آخرش که ورود «احمد توکلی» را به توییتر خوشامد گفته و نسبت به ورود دیگر چهره‌ها هم ابراز امیدواری کرده است. «حدادعادل» درآخرین توییت خود نوشته است: «@TavakoliDr {دکتر توکلی} را به توییتر خوشامد عرض می‌کنم. امیدوارم همه شخصیت‌های سیاسی از ظرفیت #توییتر استفاده کنند». همین توییت او باعث تعجب و پاسخ‌های کنایه‌آمیز گروهی از کاربران شده است. آنها به‌ویژه روی شخصیت نماینده مجلس‌بودن حدادعادل انگشت گذاشته‌اند و این سؤال را طرح کرده‌اند که چطور یک قانون‌گذار خودش قانون را نادیده گرفته است.

واکنش کاربران

نمونه‌ای از کامنت‌هایی که برای حدادعادل گذاشته شده، اینهاست: «آقایان قانون‌گذار، جایی‌که ورود بهش تبریک داره، چرا فیلتره طبق قوانین ما و چرا باید قانون‌شکنی کنیم برای استفاده؟»، «به نظر می‌رسد شما هم باور دارید که در کشورمان قوانینی وجود دارد برای شکستن و مایه تأسف»، «فیلترشکناتون رو هم برای مخاطبان معرفی کنید لطفا»، «رفع فیلتر بفرمایید اونوقت ظرفیت‌هاش شکوفا خواهد شد»، «آقای دکتر شما اهل فلسفه و ریاضیاتید، چطور می‌شود یکی به‌خاطر ساخت فیلترشکن توییتر زندان باشد و شما دعوت به توییتر کنی»، «قوانینی رو که خودتون مسببش بودید رو می‌شکنید بعد بهم تبریک می‌گید؟»، «پیام حداد به توکلی: شخصیت‌های سیاسی که از ظرفیت توییتر استفاده کنند تبریک دارد، مردم که استفاده کنند باید فیلتر شود.»، «قانون‌گذار محترم، قانون‌شکنی‌تان مبارک»، «با آرزوی رفع فیلتر و بهره‌مندشدن همه اقشار جامعه از نعمت «آزادی بیان»». «احمد توکلی» اگرچه دیرتر از «حدادعادل» به توییتر پیوسته اما هم فعال‌تر است و هم توییت‌هایش بیش از هم‌جناحی‌هایش کامنت و لایک می‌گیرد. آخرین توییتش که اعتراض به دریافتی یک مدیر دولتی است هم کامنت‌هایی مشابه «حدادعادل» گرفته است، هم پاسخ‌های جالبی در واکنش به محتوای توییت دریافت کرده است.

اگر استفاده توییتر غیرقانونی است و استفاده از فیلترشکن غیرقانونی‌تر، پس باید برای استفاده‌کنندگان از آن به‌ویژه اگر از میان چهره‌های شاخص سیاسی، قانون‌گذار و حامی فیلترینگ باشند، جرمی دوچندان محسوب شود. درصورتی‌که چنین «جرم‌انگاری» دراین‌باره وجود ندارد. نیز انتظار می‌رود که نمایندگان مجلس آینده برای رفع فیلتر این شبکه اجتماعی اقدام کنند

«توکلی» در توییت خود آورده است: «به یک مدیر ارشد دولتی گفتم چرا باید ۳۵ میلیون تومان حقوق بگیری؟ گفت: «نیازم است. اما باشه؛ به خاطر شما هفت میلیون تومان هم کم می‌کنم». توییت «توکلی» باعث شده که خیلی‌ها درباره حقوق خود او سؤال و درخواست کنند که او هم فیش حقوقی‌اش را منتشر کند: «شما که این‌قدر به شفافیت علاقه داری اگر زحمتی نیست تصویر فیش حقوقی خودتون رو هم توییت کنین». «تاریخ بخونید آقای توکلی، حقوق بالا لزوما بد نیست؛ بد، نداشتن شفافیت در مورد مسئولیتی که مدیر داره»، «حقوق خودتون چه قدره؟! و وقتی به قانون نوشته خودتون باید توییتر فیلتر باشه، چرا قانون‌شکنی می‌کنید؟ رطب‌خورده منع رطب کی کند؟»، «استاد؛ فکر کنم توییتر جزء مصادیق مجرمانه باشه.. ممنون میشم ارشاد کنید»، «فیلترشکنت چیه آقای توکلی؟ خود شما هم قانون رو دور زدید اومدید اینجا»، «جناب دکتر به‌عنوان نماینده مجلس آیا توییتر فیلتر نیست پس چرا چیزی که برای ملت مشکل دارد استفاده می‌کنید»، «دکتر حداقل یه نطقی، حرفی درمورد بی‌ارزش‌بودن فیلترینگ یا رفع این فیلترینگ مضحک می‌کردید بعد پا می‌شدید میومدید واسه قانون‌شکنی.» «محسن رضایی» هم حساب توییتری دارد. یکی از توییت‌هایش این است: «روزی که #اسرائیل، دوست امروز #آل‌سعود از ایران شکست بخورد، همه مردم منطقه فریاد زنده‌باد #ایران سر خواهند داد». برای«محسن رضایی» کامنت گذاشته‌اند که «ضمنا شما برای استفاده از فیلترشکن حجت شرعی دارید دیگه؟» «سعید جلیلی» هم در توییتر فعال است و عمدتا بخش‌هایی از سخنرانی‌هایش را در اینجا و آنجا، توییت می‌کند. یکی از توییت‌های «جلیلی» درباره افراطی‌گری است: «افراطی کسی است که رفتار دشمن را توجیه کند. افراطی مانع اجماع علیه دشمن می‌شود. افراطی کسی است که اعتراض به رفتار دشمن را تندروی بخواند». کامنت‌های مختلفی به این توییت داده شده اما یکی از آنها این است: «فیلترشکنت چیه؟ من هرسری با دعا و صلوات کانکت می‌شم». دیروز نخستین گعده رسمی راه‌یافتگان به مجلس، اصولگرا و اصلاح طلب در مجلس و محل ریاست‌جمهوری برگزار شد. حالا که بخش زیادی از اصولگرایان مدافع فیلترینگ در مجلس، از ورود به این نهاد پارلمانی بازمانده‌اند، این انتظار از نمایندگان راه‌یافته وجود دارد که تکلیف فیلترینگ را مشخص کنند و آن را از این وضعیت «یک بام و دو هوایی» که حالا گریبان خود اصولگرایان را هم گرفته است خارج کنند. اگر استفاده از شبکه‌های اجتماعی ازجمله توییتر غیرقانونی است و استفاده از فیلترشکن غیرقانونی‌تر، پس باید برای استفاده‌کنندگان از آن به‌ویژه اگر از میان چهره‌های شاخص سیاسی، قانون‌گذار و حامی فیلترینگ باشند، جرمی دوچندان محسوب شود. درصورتی‌که چنین «جرم‌انگاری» دراین‌باره وجود ندارد نیز انتظار می‌رود که نمایندگان مجلس آینده برای رفع فیلتر این شبکه اجتماعی اقدام کنند.

ادامه از صفحه ۳

پرونده خالقی روی میز هیأت عالی حل اختلاف قوا

... شاید یکی از راه‌های موجود باقی‌مانده، همین موضوع ارجاع پرونده به هیأت حل اختلاف باشد.

بهمن کشاورز درباره صلاحیت ورود هیأت حل اختلاف به موضوع خالقی به «شرق» می‌گوید: «سؤال این است که آیا صورت اختلاف بین دولت (قوه مجریه) با شورای نگهبان قابل تصور است یا این شورا تأسیسی است خارج از قوای سه‌گانه و بنابراین هیأت عالی حل اختلاف در این خصوص صالح نیست؟»

او ادامه داد: «فصل ششم قانون اساسی به قوه مقننه مربوط است و مبحث مجلس شورای اسلامی را توصیف می‌کند و مبحث دوم آن اختیار، اختیارات و صلاحیت مجلس را بیان می‌کند. قسمتی از مبحث دوم از اصل ۹۱ تا ۹۹ راجع به شورای نگهبان است؛ بنابراین تردیدی نیست که شورای نگهبان جزئی از قوه مقننه است».

کشاورز افزود: «اصل ۱۱۰ تصریح کرده است رهبری می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند، به نظر می‌رسد تشکیل هیأت حل اختلاف در اجرای قسمت اخیر اصل ۱۱۰ است که بیان شد و از باب احتیاط تفویض اختیار به یک گروه شده است نه یک فرد؛ بنابراین از یک‌سو فرض وجود اختلاف بین قوه مجریه (دولت) و شورای نگهبان (به عنوان جزئی از قوه مقننه) متصور است و در دیگر سو، هیأت‌عالی هیأت عالی حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به این اختلاف را دارد».

او ادامه داد: «از آنجا که هیأت عالی حل اختلاف را مقام معظم رهبری بر مبنای قانون اساسی تعیین فرموده‌اند، ارجاع موضوع اختلاف به این هیأت و صلاحیت هیأت مفروغ عنه است».

او ادامه داد: «اظهار نظر لازم الاتباع این هیأت موارد متعدد دارد و تا آنجا که بنده به یاد دارم آخرین مورد اختلاف دولت و قوه قضائیه درباره قضائی‌بودن یا نبودن لایحه جامع وکالت بود که هیأت با تأیید نظر دولت این لایحه را غیر قضائی دانست و الله اعلم».

در نهایت کار به هیأت حل اختلاف رسیده است و باید منتظر نظر مقام معظم رهبری درباره این پدیده کم‌سابقه ماند.

نظر عباس عبدی درباره طرح سعید حجاریان

شرق: هفته گذشته سعید حجاریان در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد، با طرح این دلیل که دلسردشدن یک جناح سیاسی (اصلاح‌طلبان یا اصولگرایان) از انتخابات خطرناک است به طرح پیشنهاد خود برای تغییر سیستم انتخابات در ایران پرداخت. این فعال سیاسی اصلاح‌طلب ابراز عقیده کرد که با سیستم فعلی انتخابات کشور، گروه‌های سیاسی مختلف به میزان پایگاه رأیشان کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص نمی‌دهند. بنابراین باید کل ایران یک حوزه انتخابیه شود و مردم به جناح‌ها رأی بدهند تا به‌نسبت رأی هر جناح، درصدی از کرسی‌های مجلس را در اختیار بگیرند. حجاریان گفت، اگر این سیستم حاکم شود، به‌طورمثال در انتخابات اخیر در تهران، تعدادی کرسی به اصولگرایان هم می‌رسید. روزنامه اعتماد در گفت‌وگو با محمدرضا باهنر، نظر او را هم در این‌باره جویا شده است که او به این روزنامه ضمن موافقت با پیشنهاد حجاریان گفته است برای نخستین قدم به مجلس دهم پیشنهاد می‌کند تا طرح استانی‌شدن انتخابات را به صحن بازگرداند و با رفع ایراداتش آن را تصویب و کشور را یک‌قدم به طرحی که در سر حجاریان می‌گذرد، نزدیک کند. در همین رابطه سایت فرارو نظر عباس عبدی را هم جویا شده است. عبدی در این مصاحبه کوتاه گفته است که تا وقتی همه گرایش‌ها عملا به رسمیت شناخته نشوند، کسی درصدد رفتن به این نظام انتخاباتی برنخواهد آمد.

آقای عبدی! جنابعالی در میزگردی پس از انتخابات اسفند، از پروژه مهم کشور برای بازیابی اصولگرایان گفته بودید و اینکه اصلاح‌طلبان نباید همه آرا را مصادره کنند. این «بازیابی» به چه معناست و چقدر می‌تواند با طرح آقای حجاریان مشترک باشد؟

این دو موضوع به‌طور مستقیم به هم ربطی ندارند ولی اگر جناح‌ها و گرایش‌ها یکدیگر را به رسمیت بشناسند در این صورت کوشش خواهند کرد نظام انتخاباتی را شکل دهند که به‌جای اکثریتی‌بودن، سهمیه‌ای باشد. مشکل این نیست که این طرح به ذهن کسی نرسیده، مشکل این است که همه درصدد حذف یکدیگرند و از این جهت نظام اکثریتی زمینه مناسب‌تری برای تحقق این هدف است.

آیا این طرح که به قول آقای حجاریان اکنون در کشورهایی همچون پاکستان و بنگلادش اجرا می‌شود، قابلیت اجرائی در ایران دارد؟

قابلیت اجرائی به دو نکته برمی‌گردد؛ یکی ساختار حقیقی و دیگری ساختار حقوقی. از نظر ساختار حقیقی همان‌طور که گفتم تا وقتی همه گرایش‌ها عملا به رسمیت شناخته نشوند، کسی درصدد رفتن به این نظام انتخاباتی برنخواهد آمد. ابتدای انقلاب هم این شکل از انتخابات به همین دلیل برگزیده شد. همه می‌دانستند که اکثریت مطلق از آن کیست و چگونه سایرین حذف خواهند شد. بنابراین باید کوشید که این نگاه تعدیل شود. به لحاظ ساختار حقوقی اگرچه شورای نگهبان نمی‌پذیرد ولی اگر همه نیروها و حاکمیت به این نتیجه برسند، طبعا از طریق مجمع تشخیص می‌توان مشکل را حل کرد.

آقای حجاریان گفته باید این طرح را با عقلای جناح اصولگرا مطرح کرد و مورد بررسی قرار داد. ایشان معتقدند احتمال اینکه اصولگرایان بعد از این بتوانند در انتخابات آینده با سیستم فعلی پیروز شوند، کم است و بنابراین این طرح درواقع به‌نفع آنهاست. آیا اصولگرایان حاضرند این طرح را بپذیرند؟

با این استدلال نمی‌توان دیگران را قانع کرد که چنین طرحی را بپذیرند. ضمن اینکه این فقط یک برداشت احتمالی است. باید از منطقی که گفتم سود جست. مسئله مهم‌تر حزبی‌شدن نظام تقنینی و اداره کشور است که این نوع انتخابات به آن کمک می‌کند ولی کسانی که حزبی نیستند زیر بار این ایده نخواهند رفت؛ کسانی که تعدادشان کم هم نیست، زیرا منافع آنان اقتضا نمی‌کند.

جایگاه شورای نگهبان در این طرح کجاست؟ آقای حجاریان گفتند بهتر است جناح‌های سیاسی بعد از انتخابات، فهرست‌های خود را به‌نسبت کرسی‌هایی که به دست آورده‌اند، برای تأیید به شورای نگهبان معرفی کنند.

به نظرم واردشدن در جزئیات این‌گونه ایده‌ها خوب نیست زیرا اصل آن را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. باید مثل رسیدگی لوایح در مجلس اقدام کرد. یعنی ابتدا کلیات مورد توجه و بحث قرار گیرد، وقتی کلیات تصویب شد، جزئیات مسئله فرعی و فنی است؛ هرچند جزئیات مهم است ولی بر کلیات مقدم نیست و بحث آن را خراب می‌کند.

فارغ از طرح این پیشنهاد، نظر جنابعالی درباره هشداری که آقای حجاریان درباره دلسردی جناح‌های سیاسی از انتخابات (در صورت شکست‌های پیاپی) می‌دهند، چیست؟

فکر نمی‌کنم کسی دلسرد شود. متأسفانه حضور در چنین سیاستی آن‌قدر منافع شخصی و گروهی دارد، که کسانی پیدا شوند تا این چراغ را روشن نگه دارند. مشکل این است که افراد خیرخواه جامعه منفعل شده و کناره‌گیری خواهند کرد والا این بازار همیشه گرم خواهد ماند. ساختاری که توزیع رانت کند، حضور در آن همیشه برای عده‌ای شیرین خواهد بود.